

مېدا و پيدايش سامانيان

ترجمه از: زبان روسی
مترجم: "سولمس" خیرمحمد

اثر: شمس الدین کمال
تاشکند: سال 2008

انستیتوت تحقیقات آسیای میانه کشور فرانسه

Institut Francais d'Etudes sur l'Asie Centrale

مجموعه ای از اسناد و مدارک مربوط به ای.اف.ی.آ.ث

شماره - 31 اگست 2008

Document de travail de l'IFEAC

N°31, aout 2008

اثر هذا بمنظور تحقیق و بررسی تاریخ سامانیان که در اواخر قرون (IX – X) در محدوده جغرافیائی ماورالنهر و خراسان در چوکات "خلافت عباسیان" حکمرانی داشت تخصیص داده شده است. اثر متذکره بر اساس معلومات نه چندان مشهور و معروف قرون وسطائی که بزبانهای عربی، فارسی و ترکی، هکذا برمبنای تعریف و تفاسیر متون و منابع شناخته شده علوم تاریخی، زبان شناسی، انسان شناسی، باستان شناسی، و سکه شناسی و همین طور بر مبنی سنگ نوشته های بدست آمده نگاشته شده است. مسلماً اثر مذکور مورد دلچسپی کارمندان تاریخی کارمندان بخش های علمی، مورخین، مستشرقین و علاقمندان تاریخ قرون وسطائی آسیای میانه قرار خواهد گرفت. این اثر توسط شورای علمی انستیتوت دولتی شرق شناسی شهر تاشکند جمهوری اوزبیکستان بمنظور طبع و تکثیر مورد تأیید قرار گرفته است.

مرتب کننده : داکتر علوم تاریخ، پروفیسور ام. اسحاقوف

ش.س. کمال الدین
سال نشر: 2008 میلادی.

اثره‌ها بر مبنی تحقیقات مولف در کتابخانه ملی The British Library بریتانیای
کبیر، کتابخانه The School of Oriental and African Studies انستیتوت
شرق شناسی شهرلندن حسب مکافات تشویقی مخصوص مصوب سالهای
2004-2005 کتابخانه فوق الذکر برای مولف در چوکات پروگرام کمیته مربوط به
آسیای مرکزی و داخلی The Committee for Central and Inner Asia تهیه،
تحقیق و نگاشته شده است.

به همین ترتیب امورات تکمیلی کتاب متذکره به ابتکار انستیتوت دولتی
Orientalische Seminar شهر زوریخ کشور سویس حسب مکافات مخصوص اداره
Gerda Henkel Stiftung کشور المان برای مولف، در کتابخانه های زوریخ و بازیل
Basel & Zürich کشور سویتزرلند (سویس) تداوم و تکمیل گردید.
بدینوسیله مولف از هیت رهبری یونیورسیتی بین المللی کیمبریدج کشور
انگلستان، فوند گیرده هنکل کشور المان و بطور اخص از جنابان پروفیسور
Prof. Dr. Hugh Kennedy, University of St Andrews, UK

پروفیسور-

Prof. Dr. Siddharth Saxena, University of Cambridge, UK

و پروفیسور

Prof. Dr. Andreas Kaplony, University of Zurich, Switzerland

نسبت رهنمائی و مساعدت های همه جانبه شان اظهار سپاس و امتنان مینماید.

مقدمه

طوری‌که میدانید سلاله سامانی در تاریخ قرون وسطائی آسیای میانه، جائیکه تعدادی از نمایندگان این سلاله طی قرون نهم و دهم میلادی بخش‌های عظیمی از سرزمینهای بخارا، خراسان و ماورالنهر تحت فرمانروائی شان قرارداشت، رول بس عظیمی ایفا نموده است.

[Frye, 1993, p. 136 – 161; Bosworth, 1971, c. 145 – 147; Негматов, 1977].

در منابع نوشتاری موجود معلومات مفصلی درباره وضعیت سیاسی، اقتصادی و مدنی سامانیان و زمان حکمرانی آنان وجود دارد. اما، در باره پیدایش و تبارز سلاله سامانی در آسیای میانه معلومات نه چندان زیاد و گاه متناقضی به نظر می‌خورد. اما، با انهم در منابع مختلفه در باره پیدایش آل سامان دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی را میتوان مطالعه نمود که در حد ممکن در مجموعه هذا انعکاس یافته است.

[Frye, 1993, p. 136]

تعدادی از محققین معتقدند که سامانیان برخواسته از سرزمین فارس (سامانیانی که دارای منشاء تباری فارس (فارسی) اند، قرابت نزدیکی با سلسله ساسانیان دارند.

[Bosworth, 1995, p. 1025; Беленицкий, 1999, c. 19 – 24; Browne, 1997, p. 207, 352; Лэн-Пуль, 1899, c 107.] [аз-Зирикلی, т. 1, с. 290; Гафуров, 1958, с. 51 – 55; Gafurov, 1957, p. 2 – 3.],

چنانچه نظریات فوق در اثار و تدقیقات محققینی مانند پیری، منز و گولدن منعکس گردیده است

[Perry, 2003, p. 118; Manz, 2003, p. 80; Golden, 1992, p. 192]

به همین ترتیب نظریات مذبور در برگه‌های اکثریت انسیکله پدی‌ها (فرهنگ بزرگ) ها نیز انعکاس یافته است

[Samanids, 1948, p. 40; Samanids, 1956, p. 916 – 917; Samaniden, 1996, band 19, s. 75; Samanides, 1964, p. SAL; Buchner, 1997, p. 140; Daniel, 1988, p. 371.].

بعضی از ین نویسندگان، معتقدند که سلسله سامانی دارای منشا محلی اند که از جمله میتوان از سوردیل نام برد.

[Sourdel, 1996, p. 728.]

اما، برعکس تعداد دیگری میپندارند که سامانیان دارای منشاء ترکی- ایرانی و یا هم (افغانی) اند.

[Louis, 1984, p. 41.]

بنابراین، تفکیک و تثبیت حقیقت و واقعیت تعلقی سلسله سامانی، برای علوم تاریخی اوزبیکستان و هم برای شرق شناسان بین المللی یکی از مسائل مغلق و لاینحل شمرده میشود.

لازم به یاد اورست که معلومات مربوط به سلسله سامانی را میتوان در کلیه آثار و نوشته های فارسی، و عربی تاریخ آسیای میانه قبل از مغل در یافت. (1) به همین ترتیب معلومات مربوط به این سلسله در آثار تاریخی- جغرافیائی و تاریخی - بیوگرافیکی قرون (X - XII) (2) و سائر منابع انزمان منعکس گردیده است. (3) هکذا اطلاعاتی در باره موجودیت اثر مخصوصی بنام " تاریخ- آل- سامان" در باره سامانیان وجود دارد که با تاسف بدست ما نرسیده است.

[Байхаки, с. 175; Хафиз-и Таныш, ч. 1, с. 222.].

به همین ترتیب در بعضی از منابع بعد مغولی معلومات مفیدی در باره سامانیان وجود دارد که بمثابة منابع بازمانده از آثار قبلی شمرده شده از ارزش و اهمیت فوق العاده ای برخوردار میباشد. اما با تاسف باید اذعان داشت که آثار مذکور نیز با مرور زمان ناپدید و اکنون در دسترس ما قرار ندارد. (4)

در عین حال در " روضه الصفا" میخواندبخش مخصوصی در باره تاریخ سامانیان وجود دارد که مطالعه و آموزش ان معلومات معینی را در اختیارخواننده قرار میدهد. [Mīrkhond 1845].

موجودیت اطلاعات سودمند در باره سامانیان که در عین زمان منحیث سند مستند و معتبر شمرده میشود، بمثابة ضمایم تکمیلی است که اسناد نوشتاری موجود را موثق تر و مطمئن تر میسازد.

سامان خودات بنیان گذار سلسله سامانی برای نخستین بار هنگامی وارد عرصه سیاسی گردید، درست زمانی که در ربع اول قرن هشتم از بلخ به شهر مرو نزد زمامدار عرب تباران شهر عزیمت نمود. قابل یاد اور است که درین هنگام شهر مرو توسط زمامدار عرب تباری به اسم اسد ابن عبد القصری (القشیری) اداره میشد. سامان خودات هنگام مراجعت به شهر، از حکمران شهر در قسمت دفع و طرد دشمنانش طالب کمک گردید. بنا احتمال داده میشود که دشمنان وی همانا قبیله تورگیش که در حوالی بلخ میزیسته بوده باشد. (5)

[Daniel, 1988, p. 371 – 372.]

سامان خودات با دریافت کمک های لازمه و باز یافت موقعیت قبلی به دین اسلام مشرف گردید و به افتحار فرماندار مذکور اسم پسرش را اسد نام نهاد، بعدا پسرش در نهضت ابومسلم خراسانی شرکت ورزید. متعاقبا، اسد پسر سامان خودات به دربار المأمون استخدام گردید. (6)

[аз-Зирикли, т. 1, с. 290; Frye, 1993, p. 136].

علاوه باید نمود که ، وارثین (فرزندان) شاهان سغد قبل از اسلام، از جمله ایهشید السغدی (ایخشید السغدی) و شیبب ابن بخار خداد البلخی یکجا با اسد در خدمت المأمون قرارداداشتند.

[ал-Джахи́з, с. 75]

همزمان با ان نواسه های سامان خودات یعنی پسران اسد؛ هریک: نوح، احمد، یحی و الیاس در دفع و طرد عصیانهای بمیان آمده، یعنی عصیانهای طای سالهای (190-195 هجری)، (مطابق به 806-810 میلادی) تحت رهبری رفیع ابن الیس در آسیای میانه آغاز گردیده بود پرداخته عصیانگران را به تسلیمی فراخواندند.

[Наршахий, 69- бет.]

المأمون قبل از عزیمت از مرو به صوب بغداد ایشانرا (فرزندان سامان خودات را) به پاس خدمات شان مورد تقدیر قرارداده در سال 204 (مطابق به سال 819 – 820م) منحیت زمامداران شهرهای مختلف ماورالنهر توظیف نمود. مثلا نوح منحیت زمامدار

سمرقند، احمد منحيث حکمران فرغانه، يحيى بمثابه زمامدار شاش(تاشکند) و اوستروشان و الياس منحيث حکمران هرات گماشته شد.

[Негматов, 1977, с. 18].

لازم به یادآوریست که از میان پسران اسد صرف الياس ابن اسد منحيث سرکرده مجرب نظامی رول بس عظیمی را طی سالهای 212 هجری (مطابق 827-828م) در اردوی طاهریان ایفا نموده متعاقبا منحيث زمامدار شهر الکساندریه مصر توظيف گردید.

[Бартольд, 1963a, с. 267; Бартольд, 1963b, с. 223].

از جانی در بعضی از منابع موجود، از پسر دیگر سامات خودات به اسم اسحق ابن سامان نامبرده شده است که در ان هنگام در خدمت یکی از سرکردگان نظامی المأمون شخصی بنام زهير(ظهیر) ابن المصیب الزبی قرار داشت.(7) متذکر باید شد که نامبرده تا ماه شوال 193 (مطابق ماه جون 809 م) توسط حکمران مذبور منحيث حکمران سیستان گماشته شد.

[Та'рих-и Систан, с. 180, 495].

اما در سائر منابع از وی نامبرده نشده است. بناء احتمال دارد که اودر خنثی سازی عصیان خارجیانیکه طی سالهای 179-195 هجری (مطابق به 795-811 م) در حوالی سیستان تحت رهبری حمزه الخارجی طی بوقوع پیوست اشتراک و در ان بقتل رسیده باشد.

همچنان در بعضی از منابع، از شخصی بنام سلام ابن سامان البخاری نامبرده شده است، اسمی که در قرون وسطی محدوده ای با مسجدی و مناره نیلگونی بنام البخاریه درشهر بغداد به این نام وجود داشت .

[al-Jakubi, 1967, p. 247; Цкитишвили, 1986, с. 80].

بنا به قول نرشاهی نام تباری سامانی با نام و القاب گذشتگان سامان خودات بمثابه بنیانگذار و مالک روستا سامان واقع حومه بلخ مرتبط دانسته میشود

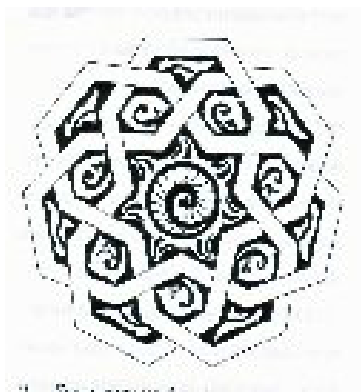
[Hamzae Isfahanensis, p. 237; Наршахуӣ, с. 132]

و اما المقدسی و یاکوت قریه متذکره را واقع سمرقند میدانند

al-Moqaddasi, p. 337 – 338; Jakut, vol. 3, p. 13]

در حالیکه مورخی به اسم سیمیونف انرا واقع ترمیز می پندارد.

[Семенов, 1955, с. 3 – 11].



پا نویسه‌ها:

1. آثار و منابع متعددی از قبیل "تاریخ بخارا" نرشاهی، تاریخ "مروج الذهب ومع الدین الجوهر" المسعودی "تجارب العمم" ابن میسکویه، "ذین الاخبار" گردیزی، "تاریخ الیمینی" العطبی، "چهارمقاله" نظامی عروضی سمرقندی "تاریخ الرسول و الملوک" الطبری، هکذا ترجمه، تکمیل و ضمیمه البلامی با آثار الطبری، "تاریخ مسعودی" ابوالفضل بیهقی، الکامل فی تاریخ" ابن الاسیر وغیره از جمله همین منابع شمرده میشوند.

2. آثار نویسندگان عرب تبار قرن دهم میلادی از قبیل "کتاب البلدان" ابن الفکیه، "مسالك الممالک" الاستخری، "صورت العرض" ابن هیکل "احس التقسیم الی معرفت الاقلیم" المقدسی، هکذا اثر "حدودالعالم" و "تاریخ جرجانی" السهمی، "الانصاب" ابوسعید السامانی "القند فی ذکر علما سمرقند" ابو حفص النسفی، "معجم البلدان" یاقوت الهاموی، "اللباب فی تهذیب الانصاب" ابن الاسیر وغیره ازین جمله اند.

3. مثلاً: اثر "الاثربقيه، عن القران الخليعه" ابو ريحان بيروني، " فضائل البلخ" البلخي، "سياست نامه" نظام الملك، "كتاب الذهبير (الظهير) والتحف" ابن الذهبير وغيره.
4. آثاري از قبيل " بحرالاسرار" محمود ابن ولي، " تاريخ گزيده" احمداله قزويني، " حبيب السير" خواندمير، "ميرت الادوار وميرحت الاغيار" اللوري، "عبداله نامه" حفيظي تنش، " آوغوزنامه" رشيدالدين، هكذا اسناد مربوط به اسماعيل ابن احمد ساماني " النجوم الذخيره" ابن تگري بيردي وغيره از جمله اينها اند.
5. ابومنذير(ابومنظير) اسد ابن عبداله القصيري، در سال 98 هجري (مطابق به 717-716 م) منحيث قايم مقام جرجان و منبعد در سالهاي 109-106 هجري (مطابق به 728-724 م) و 117 هجري (مطابق به 735 م) منحيث حاكم خراسان ايفاي وظيفه نموده و در سال 120 هجري (مطابق به 737-738 م) وفات نموده است.
6. در سالهاي 182-198 هجري (مطابق به 798-812 م) با مركزيت (پايتخت) مرو منحيث زمامدار خراسان و در سالهاي 198-218 هجري (مطابق به 813-833 م) با مركزيت بغداد منحيث خليفه ايفاي وظيفه نموده است
7. زهير(ظهير) ابن المصيب الذبي فرزند المصيب ابن الذهبير بود كه طي سالهاي 130 هجري (مطابق به 747-748 م) منحيث سر لشكر خطاب ابن شبيب ايفاي وظيفه مينمود. لازم به ياداورىست كه موصوف از جمله همركابان ابومسلم خراسانى بوده، در سال 163 هجري (مطابق به 779-780 م) منحيث حاكم خراسان ايفاي وظيفه نموده است.

[at-Tabari II: 2003, 2004; III: 135, 500 – 503, 517; Гардизи: 21, 46 – 47].